

Cambridge  
Elements  
Philosophy of Religion

God and Morality

Anne Jeffrey

خوانش کتاب

# « خدا و اخلاق »

اثر آنه جفری

جلسه پنجم،

سوم مارس ۲۰۲۲ میلادی،

دوازدهم اسفند ۱۴۰۰ خورشیدی،

کلاب هاوس « حلقه‌ی دیدگاه نو »

یاسر میردامادی

# دورنمای بحث

- خلاصه‌ی بحث نشست پیش
- دیدگاه ترکیبی
- اشکال‌ها به دیدگاه ترکیبی
- تبیین سکولار از منشاء الزامات اخلاقی: قراردادگرایی
- نسخه‌ی سوم تبیین خداپاورانه از هستی‌شناسی اخلاقی: خوبی اخلاقی

# خلاصه‌ی بحث نشست پیش

- اشکال تخلف‌ناپذیری اراده‌ی الهی و پاسخ به آن
- اشکال خودآیینی و پاسخ به آن
- اشکال نابسندگی اراده و پاسخ به آن
- نسخه‌ی اول اشکال دلبخواهی شدگی اخلاق و پاسخ به آن
- نسخه‌ی دوم اشکال دلبخواهی شدگی اخلاق و دیدگاه ترکیبی در پاسخ به آن

# دیدگاه ترکیبی

- ▶ مطابق دیدگاه ترکیبی آنچه الزامات اخلاقی را الزام‌آور می‌کند، اوامر و نواهی الهی حاکی از اراده‌ی خدا است اما الزام اخلاقی ریشه در خود اوامر و نواهی الهی (به تنهایی) ندارد بلکه ریشه در امری بنیادی‌تر از اوامر و نواهی الهی هم دارد که همانا خوبی ذاتی الهی باشد و اوامر و نواهی الهی هم از همین خوبی ناشی شده‌اند.
- ▶ به این شیوه، اشکال دل‌بخواهی شدگی پاسخ داده می‌شود: اوامر و نواهی الهی دل‌بخواهی نمی‌شوند زیرا ریشه در خوبی ذاتی الهی دارند.
- ▶ یک استدلال به سود دیدگاه ترکیبی: خدا چون کمال مطلق است اوامر او الزام‌آور است زیرا این اوامر از خوبی ذاتی او برخواسته است و چون چنین خدایی دوست‌داشتنی است اوامر او الزام‌آور است.
- ▶ این دیدگاه بر شخص یا شخص‌وار بودن خدا بنا شده است.
- ▶ همه‌ی دیدگاه‌های خدا‌باورانه شخص / شخص‌وارگی خدا را قبول ندارند.

# اشکال‌ها به دیدگاه ترکیبی ( ۱ )

- ۱. اشکال علم خدا به آینده‌ی امکانی: اگر علم حتی خدا به آینده‌ی امکانی ممکن نباشد زیرا اگر خدا به آن‌ها علم داشته باشد دیگر امکانی نخواهند بود، آن‌گاه از آن‌جا که علم خدا محدود خواهد شد، اوامر و نواهی الهی الزام‌آور نخواهند بود.
- ۲. برخی انواع علم مستلزم علم نمایه‌ای (indexical knowledge) است. مثل علم من به این که زانوی من درد می‌کند. اما خدا چون جسم نیست علم نمایه‌ای ندارد. فقدان علم نمایه‌ای می‌توان الزام‌آوری اوامر و نواهی خدا در اموری که مستلزم علم نمایه‌ای است را منتفی سازد.
- این مشکل در الهیات مسیحی که قائل به تجسد الهی است کم‌تر قابل طرح است.

## اشکال‌ها به دیدگاه ترکیبی ( ۲ )

- ▶ اشکال اختفای الهی : افراد حقیقت‌جوی گشوده‌ای وجود دارند که خدا را نمی‌یابند . بر این اساس ، الزامات اخلاقی برای آن‌ها الزام‌آور نیست . با این حال ، چون آن‌ها حقیقت‌جو هستند ولی شواهد را کافی نیافته‌اند ، نمی‌توان آن‌ها را ملامت کرد . پس ، نمی‌توان الزامات اخلاقی را بر اساس اوامر و نواهی خدا تبیین هستی‌شناختی کرد .
- ▶ پاسخ : برای پاسخ مناسب به الزامات اخلاقی لازم نیست که تمام ویژگی‌های هستی‌شناختی آن‌را افراد بدانند . خداوند می‌تواند از طریق وجدان ، و به شکل پنهان ، الزامات خود را به خدا ناباوران حقیقت‌جو و گشوده‌الهام کند حتی اگر خدا را نشناسند .

# تبيين سکولار از منشاء الزامات اخلاقی : قرارداد گرایی

- قرارداد گرایی (contractualism) به مثابه‌ی منشاء الزامات اخلاقی : اصولی که آدمیان معقول به شکل معقولی آن را نقض نمی‌کنند، منشاء الزام اخلاقی است (اجماع عقلاء بما هم عقلاء منشاء الزامات اخلاقی است).
- قرارداد گرایی می‌تواند بدیل تبیین خدا باورانه از منشاء الزامات اخلاقی باشد.
- پاسخ : چه چیزی موجب می‌شود که عقلاء بما هم عقلاء عموماً بر یک سری امور توافق کنند؟ به‌ترین تبیین آن چه بنیان متافیزیکی اجماع عقلاء بما هم عقلاء می‌شود، تبیین خدا باورانه است. بر این اساس، تبیین خدا باورانه ناقض تبیین قرارداد گراییانه نیست بلکه مکمل آن است.

# نسخه‌ی سوم تبیین خدا باورانه از هستی‌شناسی اخلاق:

## خوبی اخلاقی ( ۱ )

صورت‌بندی کلی استدلال به سود تبیین خدا باورانه از هستی‌شناسی اخلاق:

۱. پدیده‌های عینی اخلاقی ( ارزش‌ها، الزامات یا خوبی اخلاقی ) وجود دارند که نیازمند تبیین هستی‌شناختی اند.

۲. به‌ترین تبیین ( یا تنها تبیین موفق از ) عینیت این پدیده‌ها آن است که خدا آن‌ها را پدید آورده است.

نتیجه: خدا به‌ترین تبیین هستی‌شناختی از پدیده‌ی عینی اخلاق است.

نسخه‌ی ارزش‌ها و نیز نسخه‌ی الزامات اخلاقی را بررسی کردیم، حالا نوبت به بررسی نسخه‌ی خوبی اخلاقی می‌رسد.



# نسخه‌ی سوم تبیین خدا باورانه از هستی‌شناسی اخلاقی :

## خوبی اخلاقی ( ۲ )

تبیین خدا باورانه از هستی‌شناسی خوبی اخلاقی :

۱. پدیده‌ی عینی خوبی اخلاقی وجود دارد که نیازمند تبیین هستی‌شناختی است.

۲. به‌ترین تبیین (یا تنها تبیین موفق از) عینیت این پدیده‌ها آن است که خدا آن‌ها را پدید آورده است.

نتیجه: خدا به‌ترین تبیین هستی‌شناختی از پدیده‌ی عینی اخلاق است.

پیش‌فرض مهم این نظریه این است که تحلیل معناشناختی «خوب» کافی نیست و باید در باب آن بحث متافیزیکی کرد. این در حالی که است شماری از فیلسوفان اخلاق از بحث متافیزیکی در باب خوبی اخلاقی تن می‌زنند.

تبیین خدا باورانه از هستی‌شناسی خوبی اخلاقی می‌گوید در بافتار داوری و ارزش‌یابی اخلاقی «خوب» به معنای «کمال» است. این کمال عینی است، ذهنی نیست.

به‌ترین تبیین از منشاء هستی‌شناختی خوبی اخلاقی این نیست که این خوبی نمودگر ایده‌آل‌های بشری است بلکه آن است که خوبی ریشه در شباهت داشتن به خدا دارد (God-likeness).